



● علی فرح بخش

گردونه مهر در کیش بودایی

جای گذاشتند تا وجهه ی دین مهری را در نزد عوام و آیندگان خراب جلوه کنند. آنچه در میان تفاسیر مختلف پیرامون معنا و مفهوم گردونه ی مهر مورد توجه می نماید علاوه بر مفهوم نماد خورشید، مهر و آتش، اشاره ی این گردونه به آخشیج های چهارگانه (آب، آتش، خاک و باد) است که ممکن است نشانواره ی گردونه ی مهر به معنای آن باشد.

همانگونه که ذکر شد این نماد در بسیاری از تمدن های کهن یافت شده و نیز در بسیاری از فرهنگ ها و باور ها راه یافت. از آن جمله این نماد در دین بودایی نیز مشهود است که موضوع این نوشتار حول محور آن قرار دارد، از این رو در راستای بررسی مفاهیم این نماد و مختصر شناختی پیرامون باستان شناسی و ظهور آن در سرزمین ها و باورهای گوناگون، در ادامه، ذکر کوتاهی پیرامون مباحث فوق به میان خواهد آمد و پس از آن نوشتار به بررسی مفهوم گردونه ی مهر در کیش بودایی خواهد پرداخت.

گردونه مهر

در ایران باستان

بسیاری از صاحبان نظران بر این باورند که منشاء این نشانواره نزد قوم آریا بوده، قومی که بیشتر در قسمت های غربی ایران سکنی گزیده بودند و تمدن های شگفت آوری را موجب شدند. در مورد خاستگاه این قوم جنجال بر انگیز،

تغییر شکل داده شده. گروهی نیز بر این باورند که در جامعه های آغازین، مردم به نماد چلیپا چون مظهر آتش، احترام می گذاشتند و این نماد، نقشی از ابزار ابتدایی برای بدست آوردن آتش بود. ذکر یک تاریخ و مفهوم دقیق و حتی ذکر یک تاریخ حدودی پیرامون زمان پیدایش گردونه ی مهر بسیار دشوار و دور از دست است. این امر دلایل گوناگون دارد. یافته های باستان شناسی پیرامون گردونه ی مهر، هر چند که اصالت آن را به سرزمین ایران نسبت می دهند اما در بسیاری از نقاط جهان و با قدمتی بسیار دور نیز مشاهده می شوند. در بسیاری از تمدن های باستانی کهن، این نماد مشهود است و نیز در سرزمین های بسیار دور نیز مشاهده شده. علاوه بر آن یکی از دلایل آنکه مفهوم گردونه ی مهر به درستی در متون و لوح های باستانی ذکر نشده آن است که آیین مهر، آیینی بسیار راز آمیز بوده و پیروان آن، مفاهیم آیینی را به صورت یک راز به نسل های بعدی منتقل می کردند. از این رو نه تنها مفهوم گردونه ی مهر، بلکه بسیاری از آداب و رسوم و باورهای مهری (میترای) نیز در پرده ای از ابهام نهفته است و معدود اطلاعاتی که امروزه در دست است از تفسیر تصاویر به جای مانده بر مهرابه های میترای و مختصر متون قدیمی به جای مانده استخراج شده. این در حالی است که بسیاری از مسیحیان و مخالفان آیین مهر در اروپا، علاوه بر تخریب و نابودی آثار مهری، متون مهری کاذب و دروغینی نیز بر

گردونه مهر یا گردونه خورشید که به چلیپای شکسته نیز مشهور است، نماد و نشانواره بسیار کهنسالی است که آن را به قوم آریا و سرزمین ایران نسبت می دهند، هر چند که یافته های باستان شناسی در زمینه ی پیشینه ی گردونه ی مهر بسیار اندک و تفسیر پیرامون آن بسیار دشوار است، اما از همین یافته های نادر باستان شناسی می توان چنین برداشت کرد که گردونه ی مهر نمادی مختص ایرانیان باستان بوده و به احتمال قریب به یقین، این نشانواره از نمادهای آیین مهری یا میترایسم بوده است. آیینی که پیش از ظهور زرتشت در ایران رواج داشته و پس از تولد دین زرتشت نیز همچنان موقعیت خود را حفظ نمود و در دین زرتشتی نیز نفوذ یافت و بعدها (حدوداً در سده یکم پیش از میلاد) به غرب آسیای صغیر گسترش یافت. خصوصاً ورود آیین مهر به روم و اروپا کاملاً محسوس است، چنانکه دستاوردهای باستان شناسی در این زمینه این امر را تأکید می کنند. البته این در حالی است که پس از قدرت یافتن مسیحیت در اروپا و رقابت سرسختانه ی دین مسیحیت با آیین مهرپرستی، سرانجام مسیحیت در اواخر قرن چهارم میلادی بر دین میترایسم چیره شده و در این میان آثار باستانی مهری بسیاری توسط مسیحیان نابود شده و یا تغییر شکل یافتند.

گرامی داشت نماد گردونه ی مهر، ریشه ای بس کهن دارد. گروهی از محققان بر این باورند که این نشانواره نمادی از خورشید است که به مرور

**گردونه ی مهر نشانواره ای ست بس کهن که زادگاه و ریشه
های آن بوضوح مشخص نیست و در اکثر تمدن ها و فرهنگ ها
ی باستانی خود را نمایانده است . آنچه آن که مشهود است ، این
نشانه نخستین بار در خوزستان با قدمتی پنج هزار ساله دیده
شده و گواه بر این است که ریشه ای عمیق و ژرف در باورهای
ایرانیان داشته . نشانواره بر روی تکه سفالی که توسط باستان
شناسان بدست آمده مشهود است**

صاحب نظران و محققان نظریات بسیاری ارائه داده اند . آریایی ها به صورت دو شاخه ی غربی و شرقی در فلات ایران منتشر شدند که از مهمترین آنها مادها و پارس ها می باشند . آریایی ها نخستین پادشاهی جهانی را تأسیس کردند .

گردونه ی مهر نشانواره ای ست بس کهن که زادگاه و ریشه های آن بوضوح مشخص نیست و در اکثر تمدن ها و فرهنگ ها ی باستانی خود را نمایانده است . آنچه آن که مشهود است ، این نشانه نخستین بار در خوزستان با قدمتی پنج هزار ساله دیده شده و گواه بر این است که ریشه ای عمیق و ژرف در باورهای ایرانیان داشته . نشانواره بر روی تکه سفالی که توسط باستان شناسان بدست آمده مشهود است . در شهر سوخته نیز مهرهایی از جنس مرممر ، لاجورد ، مفرغ واستخوان و سفال کشف شده که بر روی برخی از این مهرها با قدمتی حدود پنج هزار سال ، این نماد دیده می شود . در هزاره ی چهارم قبل از میلاد در تل باکون مردوشت (شیراز) آوندهای سفالین ، سفالینه های شکسته و منقوش نیز این نشانواره را بر خود دارند . در حفاریهای باستان شناسانه در گیلان فسا در استان شیراز، ظرف سفالین قرمز رنگی مربوط به هزاره چهارم قبل از میلاد بدست آمده که طرح این نماد را بر روی آن می بینیم . این نشانواره را در تپه سلیک کاشان ، یکی از شاخص ترین تپه های پیش از تاریخ ایران بر روی ظرفی سفالی که قدمتش به هزاره ی اول قبل از میلاد می رسد و همچنین بر روی یک کوزه از همین تپه نیز ، می توان دید . جام زرینی در کلاردشت در سال ۱۳۱۸ خورشیدی به دست آمده که بر روی آن پیکره ی شیری را مشاهده میکنیم که بر روی کپش چلیپای شکسته مشهود است . لازم به ذکر است که شیر در نزد آریاییان مقام بالایی داشته و دارای عظمت بوده و نیز یکی از مظاهر آیین مهری نیز محسوب می شده . کاسه زرین زیبایی در کاوشهای تپه ی حسلو واقع در جنوب

بریتانیا نگهداری می شود و به پاکه (فرمانداری پارسی که قبل از پیدایش دولت ساسانی فرمانروایی می کرده) تعلق دارد ، دیده می شود ، همچنین بر روی سکه ی بهرام ، سکه ی نرسی پسر شاپور که این سکه ها با نام شاهنشاه در شهرهای ایران ضرب می گردیده اند . آوند پایه دار سفالینی متعلق به ۳۵۰۰ قبل از میلاد در بررسی های ۱۳۱۰ خورشیدی از تپه ی باستانی حصار دامغان یافت شده که چلیپا را نشان می دهد . گردونه ی مهر در بسیاری از آثار مشابه بدست آمده توسط باستانشناسان در طول تاریخ دیده می شود . این نماد حتی در نگاره ها و معماری مذهبی پس از اسلام نیز مشهود است .

گردونه ی مهر در سرزمین های دیگر

چلیپای شکسته علاوه بر ایران در بسیاری از اقوام و ملل دیگر نیز مشهود است که گاه تاریخ آن بسیار کهن می باشد . نشانواره در نزد اقوام و سرزمین هایی نظیر مصر (از دوره ی بطمیوس به بعد) ، هندوستان ، چین ، رم ، ژاپن ، آشور در شمال عراق ، انگلستان ، ایسلند ، لیتوانی و آلمان و در ملت هایی چون سرخ پوستان آمریکایی ، بوداییان ، اسکاندیناوی و تیوتتی ، سامی ، هیتیت ها و ... حضور داشته و در اماکنی چون آئوردیک عشق آباد ، اوزکند ، آرامگاه یوسف فرزند قیصر (نخبجوان) ، مدرسه ی میرعرب ، مدرسه ی کاراتای (ترکیه) ، آرامگاه خواجه عبدالله انصاری (افغانستان) و ... حضور داشته و دارد . مورد باستان شناسی بسیار جالب توجه و شگفت آوری نیز پیرامون این نماد در دهکده ای به نام مزین در اکراین یافت شده که در آن نماد بر روی عاج یک ماموت دیده شده . البته هنوز مشخص نیست که آیا این عاج در سیرری به دست آمده و در همان زمان ماموت ها نشانواره بر روی آن حکاکی شده و یا بعدها توسط افرادی دیگر این نماد بر روی آن به تصویر

ارومیه کشف شده که این کاسه نیز پیکره ی شیر و شیربان را نشان می دهد و جالب آنکه دوباره در اینجا بر روی کپل شیر ، نشانواره دیده می شود . گردنبد زرینی که سه چلیپا را در خود نشان می دهد ، در کاوشهایی که توسط آقای شهیدزاده در سال ۵۶-۱۳۵۵ خورشیدی در شهر رودبار گیلان به دست آمده که مربوط به هزاره ی اول قبل از میلاد می باشد . همان طور که مشخص است این نشانواره از دوران های مختلف گذر کرده . در گرمی آذربایجان گورهایی به صورت خمره مانند یافت شده که در میان آنها تکه پارچه ای با طرح چلیپای شکسته مشهود است . در همین دوران و همین مکان تکه سفالی از یک خمره بدست آمده که بر سطح آن ، نشانواره را به صورت برجسته مشاهده میکنیم . هم اکنون این تکه سفال در موزه ی ایران باستان حفاظت می شود . این نشانه تنها بر سطح ظروف سفالین و زرین و اشیاء زرین و تکه پارچه ها مشهود نیست . این نشانواره بر روی سکه های باستانی نیز مشهود است از جمله سکه مهرداد دوم که ۳۸ سال سلطنت کرد و اشک نهم . در آن دوران نیز نشان چلیپای شکسته را بر روی گردنبد ها تصویر می کردند و این مطلب زمانی روشن می شود که ما به آویزه ی گردنی از جنس عقیق که از جوبن گیلان یافت شده بر می خوریم که در سال ۱۳۴۵ خورشیدی به دست آمده . در ویرانه های کاخی در کوه خواجه سیستان که قدمتی طولانی دارد و مقر فرمانداری اشکانیان بوده و دارای گچبریهای زیبایی ست ما شاهد نماد چلیپای شکسته هستیم . بر روی کلاه اردشیر ساسانی ، بینانگذار شاهنشاهی ساسانیان در پارس نیز نشانواره مشهود است . در ویرانه های کاخی در بیشابور مربوط به ساسانیان چلیپای شکسته حضور دارد و نیز در گچبریهای قلعه ی یزد گرد که از جزیره ی کیش به دست آمده و کاخ تیسفون در عراق امروزی . نشانواره بر سکه ی سیمینی که در موزه ی

در آمده . به هر حال تاریخ نماد حکاکی شده بر این عاج به وضوح مشخص نیست . گردونه ی مهر نزد اقوام غیر ایرانی معانی و مفاهیم مختلفی داشته از جمله :

- ۱- نماد الوهیت آریایی
- ۲- چهار عنصر اصلی (آب ، باد ، خاک ، آتش)
- ۳- زندگانی طولانی
- ۴- حرکت آب
- ۵- هست و نیست ، بود نبود ، بست و گست
- ۶- یک پیکره ی قرار دادی انسان با دو دست و دو پا
- ۷- دور کننده ی چشم زخم و اهریمنان و نیروی درمان بخش
- ۸- دو ترکیه ی بر هم نهاده برای روشن کردن آتش
- ۹- نگاره مثبت و دارنده ی بار مثبت و سازنده
- نمودار پرواز
- ۱۰- دو کهای نخ ریزی آغازین
- ۱۱- خورشید
- ۱۲- نماد ستارگان

و...

این احتمال وجود دارد که ریشه ی معانی و مفاهیم چلیپا در اقوام گوناگون در نزد قوم آریا باشد ، هر چند که هنوز دستاوردها نتیجه ای قطعی را به ارمغان نیاورده اند . در این میان ، بنابر گزارشات و شواهد به دست آمده ، خالق احتمالی این نشانواره در رده ی نخست ، آریاییان هستند .

چلیپای شکسته در هند

چلیپای شکسته در هند سواستیک یا سواستیکا (سانسکریت) نامیده می شود . این نماد در باور هندیان نماد است از حرکت خورشید ، نیک بختی و افزونی . در گروهی از اماکن مذهبی هند ، چه در گذشته و چه در زمان حال ، سواستیکا مشهود بوده و ریشه هایی بسیار کهن دارد . در شماری از نگاره های کف پای بودا متعلق به سده های قبل و بعد از میلاد ، این نشان به کار می رفته و در آیین بودا نیز کاربرد یافته است .

چلیپای شکسته در آیین جینسیم نیز حضوری محسوس دارد . بسیاری از جینیست ها ، این نشان را بر سر در خانه های خود نقش زده و بر این باورند که سواستیکا دارای نیرویی ست که خوشی ، برکت و ثروت را به ارمغان می آورد .

به طور کل ، سواستیکای راست گرد در هند نماد است از خورشید ، روشنایی ، خوشی ، بهار و تابستان و در مقابل ، سواستیکای چپ گرد نماد تاریکی ، شب ، وحشت ، جادو ، پاییز و زمستان

است .

چلیپای شکسته در چین و ژاپن

چلیپای شکسته در چین با نام باستانی وان داری تاریخی کهن است . این نماد بیشتر در آیین دائوتجلی یافت . دائو یا تائو از آیین های باستانی چین محسوب می شود که بنیانگذار آن را شخصی به نام لائوزه به معنای استاد پیر می دانند ، گویی که گروهی از تاریخ دانان وی را شخصیتی خیالی و افسانه ای می پندارند . لائوزه حدوداً همدوره ی کنفوسیو (ح ۵۵۱ تا ۴۷۹ ق.م) بود ، اما از زندگی و تعلیمات وی اطلاعات بسیار مختصری در دست است که صحت آنها هنوز در پرده ای از ابهام است . تنها اثر مکتوب به جا مانده از استاد پیر ، کتابی تحت عنوان دائو د جینگ می باشد که نویسنده ی آن را لائوزه می دانند . بنیانهای فلسفی آیین دائو بر تعادل و تعامل میان دو نیروی بین و یانگ استوار است . بین نماد نیروی زنانه ، زمین ، روشنایی و ... می باشد که در مقابل یانگ یا نیروی مردانه ، آسمان ، تاریکی و ... قرار دارد . دائو گرایان بر این باورند که این دو نیرو در جهان هستی در گردشند و این گردش بر اساس قوانین طبیعت صورت می گیرد . در این میان ، طبیعت و هستی خود پیرو دائوست . گردونه مهر در فرهنگ و آیین های چینی حضور یافته و مفاهیم جدیدی را در بر گرفت . چلیپای شکسته ی راست گرد نماد است از یانگ و چپ گرد ، نماد بین . رنگ های این نشانواره نیز در چین معانی و مفاهیم ویژه ای داشت ؛ رنگ سبز نماد برکت در کشاورزی ، آبی مظهر برکت آسمانی ، قرمز نماد برکت قلب بودا و زرد نمودار خوشبختی و نیک فرجامی . بنابر گزارشات تاریخی ، امپراتور یس چین با نام وو (۷۰۴ - ۶۸۴ م) در زمان دودمان تانگ ، چلیپای شکسته را به عنوان نماد و سمبلی از خورشید مقرر کرد .

این نماد در چین مفاهیمی نظیر تداوم ابدی بدون آغاز و انجام ، تجدید ابدی حیات ، تکامل و تعالی ، حرکت بر طبق قاعده و قانون ، طول عمر ، برکت ، طومار رعد و ... را در بر دارد .

چلیپای شکسته از چین به کره و سپس به ژاپن راه یافت و در زبان ژاپنی با نام مانجی شناخته شد . این احتمال وجود دارد که نشانواره از طریق ورود آیین بودا به ژاپن راه یافته ، هر چند که این نظر نمی تواند قطعیت کامل داشته باشد . در هر حال در ژاپن ، عموماً چلیپای شکسته نمادی ست از معابد بودایی و آیین بودا . در حالت کلی هر دو جهت گردش نشانواره در ژاپن معانی و مفاهیم سازنده و خجسته ای را در بر دارد . گردونه ی چپ گرد با نام توموته مانجی نمادی ست از عشق و

رحمت و گردونه ی راست گرد یا یورا مانجینمادی از بصیرت ، آگاهی و قدرت .

گردونه مهر در کیش بودایی

در ابتدای آیین و پس از مرگ بودا ، هیچ تمثالی از وی ساخته نشد . آغاز زمان پیکره سازی و تصویرگری از بودا به وضوح مشخص نیست . تاریخ نگاران بر این باورند که ابتدا وی را به صورت یک چتر ، یک فیل و یا جای پا مجسم می کردند . زمان آغاز تصویرگری از بودا به صورت نماد یا نشانه ، احتمالاً دویست سال پس از وفات وی بوده است . در اوایل قرن اول میلادی بود که هنرمندان بودایی به ساخت پیکره های بودا به صورت جدی و حرفه ای روی آوردند . سنگ تراشه های بدست آمده از هنر گندهارا مربوط به قرن های اول ، دوم و سوم میلادی در هند و نیز تمثال های بر جا مانده از هنر آسیای میانه در همان دوران ، از معدود بقایایی ست که امروزه بر جای مانده . حمله مسلمانان به هند آیین بودا را به کلی محو ساخت ، از این رو بسیاری از منابع و ساختارهای بودایی از میان رفت و بررسی های تاریخی دشوار شد . بودیسم در هند از جایگاه بسیار مناسبی برخوردار بود . در دوران پادشاهی آشوکا (۲۷۳ تا ۲۳۲ ق.م) آیین بودا بسیار پیشرفت کرده و هنر بودایی کمی سازمان یافته شد . به علت نابودی آثار بودایی . پس از حمله مسلمانان ، منابع بسیار اندکی از هنر بودایی در هند ، افغانستان و پاکستان به یادگار مانده .

همانطور که ذکر شد ، هنرمندان بودایی در ابتدا ، بودا را تنها با نمادها و نشانه ها به تصویر می کشیدند . یکی از نمادها جای پا یا اثر پای بودا بود . در نگاره های بدست آمده از جای پای بودا ، نقش چلیپای شکسته مشهود است .

آیین بودا نیز همانند دیگر مکاتب و ادیان ، تحت تأثیر گروهی از عوامل خارجی قرار گرفته و مفاهیم و نمادهایی بیرونی به آن راه یافت . بی شک بوداییان چلیپای شکسته را در راستای ایجاد مفاهیم جدید و نیز هم آغوشی با بنیانهای فرهنگی و مذهبی جامعه ی آن دوران ، به آیین بودا وارد کردند ؛ همانگونه که در دیگر مکاتب ، نظیر این عمل مشاهده می شود .

چلیپای شکسته با پیشرفت آیین بودا و هنر پیکره سازی و تصویرگری از بودا ، در تمثال های بودا راه یافت . محل قرار گرفتن نشانواره که در ابتدا بر روی انگشتان پای بودا به تصویر کشیده می شد ، در تمثال ها ، بر روی سینه ی بودا ترسیم شد . جالب آنکه چلیپای شکسته ی چپ گرد در نزد هندیان آنچنان خوشایند نبوده و یا شاید منفی بودن نیروی نماد چپ گرد ، بعدها و پس از این

این احتمال وجود دارد که ریشه‌ی معانی و مفاهیم چلیپا در اقوام گوناگون در نزد قوم آریا باشد، هرچند که هنوز دستاوردها نتیجه‌ای قطعی را به ارمغان نیاورده‌اند. در این میان، بنابر گزارشات و شواهد به دست آمده، خالق احتمالی این نشانواره در رده‌ی نخست، آریاییان هستند

نگارگری بوجود آمده باشد. این امکان وجود دارد که شاید اقوامی در راستای خدشه دار کردن آیین بودا، نماد چپ گرد آن را که در تمثال‌های بودا به کار می‌رفته، در اذهان عمومی به صورت منفی و شیطانی جلوه کرده باشند.

عموماً چهار چلیپای شکسته بر روی چهار انگشت پا ترسیم شده و گاهی بر روی هر پنج انگشت مشهود است. در نگاره‌های کف پای بودا علاوه بر نقش چلیپای شکسته، دیگر نشان‌ها، رمزاها و سمبل‌های آیین بودا نیز مشهود است از جمله نیلوفر، چرخ دارما، ناگا (شاه مار) و ... که هر یک در جایگاه خود مفاهیم و معانی بسیار عمیقی را در بر دارند.

نشان چلیپای شکسته در آیین بودا دارای مفاهیم متعددی است؛ از جمله چهار نشانه، چهار حقیقت عالی، به گردش در آوردن چرخ آیین، رفتن راهبان و آموزگاران به چهار گوشه‌ی هند و جهان، در چرخش بودن نظام طبیعت و چهار عنصر، که نمادپست از فنا پذیری و عدم پایداری موجودات و ... در این میان دو تفسیر، بسیار جالب توجه است. نخست آنکه این نماد را راز پنهانی آیین بودا می‌نامند. عمق آیین بودا و تجربه‌ی بوداگی صرفاً یک تجربه‌ی انحصاری است، غیر قابل انتقال و غیر قابل تفسیر و توضیح و یا شاید این نماد به مفهوم دیگری اشاره دارد که باید آن را کشف کرد.

دومین مفهوم و معنا که عمومیت بیشتری دارد آن است که چلیپای شکسته نمادی است از قلب بودا، به همین علت در تمثال‌ها، نشان چلیپا بر روی سینه‌ی برهنه‌ی بودا ترسیم می‌شود و به مهر دل بودا مشهور است. این نشانواره بیشتر در تمثال‌های بودا در چین دیده می‌شود و شاید نشان از هم آغوشی آیین دائو و آیین بودای چینی داشته باشد. معنای دیگر چلیپا در آیین بودا که صرفاً یک گمانه زنی شخصی است آن که ممکن است این نماد نقطه‌ی اتصال بودا و قوم آریا باشد. هر چند که این نماد در بسیاری از نقاط جهان

و بسیاری از فرهنگ‌ها و اقوام یافت می‌شود اما نکته‌ی قابل توجه آن است که به ندرت چلیپای شکسته بر روی بدن تمثال‌ها به تصویر آمده و عموماً در کنار دیگر موضوعات جای گرفته و یا به صورتی مجزا و با اشکال گوناگون ترسیم شده. این که آیا بودا از اقوام آریایی بوده یا نه صرفاً یک گمانه زنی شخصی بر اساس دستاوردهای ابتدایی پیرامون این مسئله می‌باشد که نیازمند بررسی‌های گسترده است. استفاده از نشان چلیپای شکسته در تمامی تمثال‌های بودا عمومیت ندارد، اما این نشان در بسیاری از معابد بودایی جهان و شماری از تمثال‌ها و نگاره‌ها مشهود است. همانگونه که در ژاپن این نشان، نمادی از آیین بوداست. این نشانواره خود از اسرار آمیز ترین نمادهای جهان بوده و بسیار جالب است که بوداییان بار دیگر آن را به صورت یک راز معرفی می‌نمایند. این نماد علاوه بر تمثال‌های بودا، گاه در نگاره‌ها و پیکره‌های دیگر افراد آیین و بودی ستوه‌ها دیده می‌شود.

از جمله خدا بانوی رحمت، بودی ستوه گوان یین که در چین محبوبیت بسیاری دارد. گردونه‌ی مهر در آیین بودا، نشانی ست از تداخل و تعامل بسیار پیچیده‌ی فرهنگ‌ها، باورها و تاریخ جهان باستان که گوشه‌های بسیاری از آن، در پرده‌ای از ابهام نهفته است.

منابع و ارجاعات:

- ۱- بختور تاش، دکتر نصرت الله، نشان رازآمیز، انتشارات فروهر، ۱۳۸۰
- ۲- پاشایی، ع، بودا، انتشارات فیروزه، ۱۳۷۵
- ۳- جلالی نائینی، دکتر سید محمد رضا، هند در یک نگاه، نشر شیرازه، ۱۳۷۵
- ۴- شایگان، داریوش، ادیان و مکتب‌های فلسفی هند، نشر امیر کبیر، ۱۳۸۳
- ۵- فیروزمندی، بهمن و سرافراز، علی اکبر، باستان شناسی و هنر دوران تاریخی، نشر عفاف

- ۱۳۸۱،
- ۶- فیروزی، حمید، سهم ایران در تمدن جهان، ۱۳۷۹
- ۷- کریز، مایکل، بودا، ترجمه علی محمد حق شناس، نشر طرح نو، ۱۳۷۲
- ۸- ولفگانگ شومان، هانس، آیین بودا، ترجمه ع. پاشایی، نشر فیروزه، ۱۳۷۵
- ۹- ویلسون راس، نانس، بودیسم، ترجمه منوچهر شادان، انتشارات بهجت، ۱۳۷۴
- ۱۰- یاسپرس، کارل، فیلسوفان بزرگ، ترجمه دکتر اسدالله مبشری، انتشارات پیام، ۱۳۵۳
- ۱۱- Aigner, Dennis J., The Swastika in Navajo Textiles – laguna Beach, California : DAI Press (۲۰۰۰)
- ۱۲- Sagan, Carl, and Ann Druyan, Comet, New York : Rand House (۱۹۸۵)
- ۱۳- Wilson, Thomas, The Swastika : The Earliest Known Symbol, Washington about.com (۱۸۹۶)
- ۱۴- answers.com
- ۱۵- collectorsguide.com
- ۱۶- crystalinks.com
- ۱۷- dpjs.co.uk
- ۱۸- heathenworld.com
- ۱۹- loksley.com
- ۲۰- redaimthe swa stika.com
- ۲۱- swastika – info.com
- ۲۲- wikipedia.org
- ۲۳-